دولت باید در تدوین قوانین حساس، عالمانه و پدرانه رفتار کند

اصلاحات بازنشستگی در برنامه هفتم «بحران‌ساز» است

لایحه پیشنهادی دولت برای برنامه هفتم توسعه دارای موادی از قبیل افزایش سن بازنشستگی و تغییر مبنای محاسبه مستمری بازنشستگی از ۲ به ۵ سال است که به معنای کاهش شدید مستمری بازنشستگان خواهد بود. همین موارد، اعتراض کارگران و فعالان این قشر را به این لایحه در برداشته است.

به گزارش «توسعه ایرانی»، روز گذشته «صولت مرتضوی» وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی با دفاع تلویحی از لایحه دولت گفت: مرثیه صندوق‌های بازنشستگی را در چند جلسه خوانده‌ام. وضعیت صندوق‌ها خوب نیست و ضریب بسیار ناپایداری دارند. نسبت پشتیبانی در صندوق بازنشستگی کشوری بین ۰.۵ و ۰.۷ تا یک است که این نسبت در صندوق تامین اجتماعی ۴.۴ است. وی در ادامه افزود: مردان کارآمد باید مدیریت صندوق‌ها را به دست بگیرند و با ایجاد بهره‌وری و با به استخدام درآوردن فناوری به کاهش مصارف و افزایش ضریب پشتیبانی صندوق‌ها بپردازند، چراکه گریزی جز اصلاحات منطقی‌ای که آسیبی به جامعه وارد نکند، نیست.

در همین زمینه «عباس اورنگ» کارشناس تامین اجتماعی در گفت‌وگو با ایلنا گفت: بررسی اجمالی لایحه برنامه هفتم توسعه نشان می‌دهد که ایرادات بسیاری حتی در زمینه نگارش از جمله تکرار بندها، غلط‌های تایپی و دستوری در متن وجود دارد. مثلاً ماده ۱۶ لایحه جایی که اشتغال مددجویان بهزیستی، کمیته امداد و افراد معرفی شده از طرف سازمان زندان‌ها را تشریح کرده، عیناً در ماده ۲۰ تکرار شده یا در ماده ۲۰۰ جایی که بیمه مشاغل آزاد طرح شده، به جای ماده ۴ قانون تامین اجتماعی به ماده ۳ این قانون اشاره شده است. با استناد به این ایرادات می‌توان گفت قطعاً این لایحه نیاز به اصلاح و بازبینی جدی دارد.

اصلاحات نظام بازنشستگی به سادگی قابل انجام نیست

اورنگ به فصل بیمه‌های اجتماعی این لایحه اشاره می‌کند و می‌گوید: در فصل چهارم در بحث صندوق‌های بازنشستگی، موارد قابل توجهی در خصوص اصلاح ساختار مالی صندوق‌ها آمده است. از یک طرف سابقه بازنشستگی افزایش یافته و از طرف دیگر، مبنای محاسبه مستمری را از دو سال به پنج سال افزایش داده‌اند و موجب شده‌اند میزان مستمری پرداختی به میزان قابل توجهی کاهش یابد و در ماده ۶۵ بحث افزایش نرخ حق بیمه کارگران مطرح شده است. چند نکته در این تغییرات قابل طرح است؛ اول اینکه دولت پی برده صندوق‌های بازنشستگی دچار مشکلات مالی هستند و باید تدبیری برای اصلاحات اندیشیده شود ولی احساس می‌شود که باید حساسیت بیشتری نسبت به موضوع اصلاحات در صندوق‌های بازنشستگی وجود داشته باشد.

او با بیان اینکه «صندوق‌های بازنشستگی جایی نیستند که به راحتی بتوانیم اصلاحات بنیادی از قبیل افزایش سن و سابقه بازنشستگی یا تغییر مبنای مستمری را انجام دهیم»، اضافه می‌کند: هر کدام از این مولفه‌ها، در جامعه بیمه‌شدگان شامل کارگران و بازنشستگان، تبعات جدی خواهد داشت و می‌تواند برای ساختار سیاسی و اجتماعی کشور، بحران آفرین باشد. این تجربه آزموده بسیاری از کشورهای دنیاست که چنین اصلاحاتی، بحران‌های بزرگ به وجود آورده‌اند. به همین خاطر، موضوع صندوق‌های بازنشستگی موضوع حساسی است و به این سادگی نمی‌شود این اصلاحات را انجام داد.

نمی‌توان بار بحران را تماما بر دوش کارگر و کارفرما انداخت

این کارشناس تامین اجتماعی می‌افزاید: براساس نحوه مدیریتی که در سنوات مختلف وجود داشته، همواره دولت‌ها به نوعی بر صندوق‌های بازنشستگی حاکم بوده و به نسبت سایر شرکای اجتماعی قدرت بیشتری داشته‌اند و سایر شرکا چندان قدرتی در مدیریت صندوق‌ها نداشته‌اند، یعنی همواره یک مدیریت دولتی حاکم بر صندوق‌های بازنشستگی بوده و جامعه کارگری، بازنشستگی و کارفرمایی، چندان نقشی در اداره امور نداشته‌اند. در مواردی هم که به ظاهر سه‌جانبه‌گرایی داشته‌ایم و نمایندگان کارگران و کارفرمایان در شوراهای عالی و در هیات امنای صندوق‌ها بوده‌اند، باز هم این نمایندگان قدرت قابل توجهی در اداره امور نداشته‌اند پس حالا که به این جمع‌بندی رسیده‌ایم که صندوق‌ها دچار بحران شده‌اند، اصلاً قابل قبول نیست که دولت به یک‌باره دست به اصلاحات یک‌جانبه بزند.

او اضافه می‌کند: روح ماده ۶۵ برنامه هفتم این است که افرادی که دستمزد بالاتری دارند، مشارکت بیشتری در پرداخت حق بیمه داشته باشند. این امری‌ست که به ظاهر عادلانه می‌نماید ولی قرار نیست حالا که صندوق‌های بازنشستگی یک عمر با مدیریت دولتی به این حال و روز و این مشکلات رسیده‌اند، دولت بگوید مسئولیت من صفر شود و بار بر دوش بیمه‌شده بیفتد یا برای حل معضلات، کارگر و کارفرما بیشتر بپردازد! ما این اجازه را نداریم که یک عمر مدیریت دولتی داشته باشیم و صندوق را به این روز بیندازیم، آن وقت در بزنگاه مشکلات تمام بار را بر دوش جامعه کارگری و کارفرمایی بگذاریم.

اورنگ با تاکید بر مشکلات غیرقابل انکار صندوق‌های بازنشستگی، می‌افزاید: در کنار این اصلاحات بنیادین در حوزه سن و سابقه و مبنای محاسبه مستمری و پرداخت حق بیمه، کدام ماده قانونی هست که دولت مکلف شود در حوزه مدیریت صندوق‌ها دخالت کمتری داشته باشد؟ کدام ماده قانونی هست که دولت مکلف شود بدهی‌های صندوق‌ها را با سرعت بالاتر بپردازد تا صندوق‌ها از معضلات موجود راحت‌تر خارج شوند؟

جغرافیای صندوق‌ها را نمی‌شناسند

به گفته این کارشناس، تجربه اصلاحات پارامتریک چه در ایران و چه در سایر کشورها نشان می‌دهد که تلاش برای این همه اصلاح یک‌باره به معنای نشناختن جغرافیای صندوق‌های بازنشستگی‌ست.

پیشنهاددهندگان و طراحان لایحه در حوزه کار و اشتغال و صندوق‌های بازنشستگی یا زیادی خوشبین‌اند و به دنبال حل یک‌باره مشکلات هستند یا از آثار و تبعات این تغییرات شناخت عمیقی ندارند

او اضافه می‌کند: قطعاً نمی‌شود و جامعه کشش ندارد که در شرایط فعلی، این حجم اصلاحات انجام شود. هر کدام از این اصلاحات می‌تواند جامعه را با شرایط بحرانی مواجه کند. نکته دیگر این است که اصلاحات در صندوق‌های بازنشستگی، موارد برنامه‌ای نیستند. اینها جزو قوانین دائمی هستند. فرض بر این است که قانون برنامه بعد پنج سال تمام می‌شود. بعد از آن، آیا این موارد اصلاحی در برنامه پنج‌ساله بعدی تکرار می‌شود؟ اگر در پنج‌ساله هشتم با این موارد موافقتی نبود یا جو اجتماع اجازه نداد چه، آن روز چه باید کرد؟ این موارد نشان می‌دهد که نگاه به صندوق‌های بازنشستگی، یک نگاه سطحی است.

سازمان امور مالیاتی نمی‌تواند حق بیمه بگیرد

اورنگ به ماده ۱۷ لایحه اشاره می‌کند و می‌گوید: در این ماده، موضوع خطرناک و عجیبی پیشنهاد شده مبنی بر اینکه وصول حق بیمه توسط سازمان امور مالیاتی انجام شود. به نظر می‌رسد پیشنهاددهندگان این ماده، مطالعه‌ای در صندوق‌های بازنشستگی دنیا داشته‌اند اما مطالعه‌ای کم‌عمق و بسیار سطحی.

این کارشناس تامین اجتماعی می‌افزاید: در برخی کشورها سازمان‌های امور مالیاتی حق بیمه دریافت می‌کنند و برای تامین اجتماعی نیز حق بیمه دریافت می‌کنند اما آن تامین اجتماعی با سازمان تامین اجتماعی ما در ایران فرق دارد. آن سازمان تامین اجتماعی در کشورهایی مثل انگلستان و آمریکا وظیفه‌دار دستمزدی پایه را برای تمام افراد جامعه تامین کند و از این حق بیمه‌ای که یک مالیات اجتماعی‌ست، مستمری پایه پرداخت می‌شود اما صندوق‌های بیمه اجتماعی که شبیه سازمان تامین اجتماعی ماست، حق بیمه دریافت می‌کنند با هدف پرداخت تعهدات به اعضای خود که همان بیمه‌شدگان هستند. این سازمان تامین اجتماعی با آن سازمان تامین اجتماعی و این حق بیمه با آن حق بیمه بسیار تفاوت دارد. اینکه ما یک شکلی را از یک موضوعی برداشت کنیم و بی‌توجه به ماهیت مساله، آن را به مسائل ملی خودمان تعمیم دهیم، رویه‌ای اشتباه است.

او می‌افزاید: سازمان تامین اجتماعی در ادبیات جهانی با سازمان تامین اجتماعی ما که صندوق بازنشستگی کارگران است، فرق دارد. ما نمی‌توانیم هر کاری در هر جایی از دنیا تحت هر عنوانی انجام شده، در ایران عینا پیاده کنیم. اگر بخواهیم بومی‌سازی کنیم، باید بگوییم «سازمان امور مالیاتی یک مالیاتی را تحت عنوان حق بیمه جمع‌آوری می‌کند و از محل آن حق بیمه، به افرادی که تحت پوشش صندوق‌های بیمه‌ای نیستند و متعلق به دهک‌های فرودست هستند، یک مستمری پایه پرداخت می‌شود». سازمان امور مالیاتی ساختار متفاوتی از تامین اجتماعی برای وصول حق بیمه دارد. ما در حال حاضر مشکلات بسیاری در تامین اجتماعی داریم و نباید این معضلات را بیشتر و عمیق‌تر کنیم لذا ماده ۱۷ لایحه برنامه هفتم، بسیار خطرناک است و قطعاً چالش‌های بسیاری در زمینه تامین مالی تعهدات در سازمان تامین اجتماعی به وجود خواهد آورد. این ماده اصلاً قابل دفاع نیست و باید حذف یا اصلاح شود.

اورنگ با بیان اینکه «در ادبیات تامین اجتماعی مفهوم بیمه مشارکتی با بیمه غیرمشارکتی متفاوت است»، ادامه می‌دهد: سازمان تامین اجتماعی در کشورهایی مثل انگستان که حق بیمه‌های آنها را سازمان امور مالیاتی جمع می‌کند برای ساختار غیرمشارکتی است یعنی آنهایی که مشارکتی در پرداخت حق بیمه ندارند و عضو صندوق‌های بیمه و بازنشستگی نیستند. آنجا دولت وظیفه دارد منابعی را برای ارائه خدمت به این افراد فراهم کند اما در سازمان‌های مشارکتی، این خود بیمه‌شدگان هستند که حق بیمه می‌پردازند و از محل این حق بیمه‌ها خدمات می‌گیرند. طراحان ماده ۱۷ این دو مساله را خلط کرده‌اند و تمایز بیمه‌های مشارکتی و غیرمشارکتی را در نظر نگرفته‌اند.

شیرازه اقتصاد خانوارهای کارگری فرو خواهد پاشید

این کارشناس تامین اجتماعی به ماده ۱۶ لایحه برنامه هفتم توسعه می‌کند که اجازه داده کارفرمایان به گروه‌های کم‌توان شامل مددجویان و معرفی‌شدگان زندان‌ها کمتر از حداقل دستمزد بپردازند. به گفته اورنگ، این ماده بدعت جدیدی در قانون‌گذاری‌ست چراکه همین امروز هم جامعه کارگری با این دستمزدها نمی‌تواند معیشت خود را تامین کند. حالا چرا قانون به کارفرمایان اختیار داده کمتر از حداقل دستمزد به کارگر بپردازد و هر زمان خواست او را اخراج کند.

«آنچه در کلیات می‌بینیم این است که پیشنهاددهندگان و طراحان لایحه در حوزه کار و اشتغال و صندوق‌های بازنشستگی یا زیادی خوشبین‌اند و به دنبال حل یک‌باره مشکلات هستند یا از آثار و تبعات این تغییرات شناخت عمیقی ندارند». اورنگ با بیان این جمله ادامه می‌دهد: همین امروز با انتشار این مواد، در بازار کار یک سردرگمی و نگرانی شدید ایجاد شده است. یک نکته را باید مورد توجه قرار داد، معمولاً اصلاحات پارامتریک در حوزه بیمه‌های اجتماعی، اصلاحاتی نیستند که امروز انجام شود و از فردا بیمه‌شدگان مشمول آن شوند. معمولاً وقتی این اصلاحات انجام می‌شود می‌گویند بیمه‌شدگانی که در دهه آینده می‌خواهند وارد بازار کار شوند، مشمول می‌شوند نه فردی که قرار بوده در سی و یک شهریور بازنشست شود و همان روز سی و یکم، قانون می‌آید و می‌گوید دو سال دیگر در کارگاه بمان! یا در روز بازنشستگی کارگر، قانون می‌آید که مبنای محاسبه مستمری عوض شده! اینها موجب می‌شود که شیرازه اقتصاد خانوار دچار فروپاشی شود.

این اجازه را نداریم که یک عمر مدیریت دولتی داشته باشیم و صندوق را به این روز بیندازیم، آن وقت در بزنگاه مشکلات تمام بار را بر دوش جامعه کارگری و کارفرمایی بگذاریم

به گفته وی، گذر از روند فعلی به روند جدید نباید به گونه‌ای باشد که شوک بزرگ به جامعه وارد شود و خدای ناکرده عوارض شوک را در کف خیابان‌ها ببینیم، اصلاحات باید انجام شود اما نه به این شدت و نه به‌یکبارگی.

این کارشناس تاکید می‌کند: اصلاحات صندوق‌های بازنشستگی باید در قالب یک قانون جامع و مجزا و در راستای سیاست‌های کلی تامین اجتماعی که پیشتر توسط رهبری ابلاغ شده، صورت بگیرد. اصلاحات معقول و شدنی، باید در راستای سیاست‌های کلی تامین اجتماعی انجام شود و از سوی دیگر، دولت و مجلس باید این همت را داشته باشند که با پرداخت مطالبات صندوق‌ها، آنها را در کوتاه‌مدت از مشکلات مبتلابه نجات دهند. دولت باید رفتار عاقلانه و پدرانه در حوزه صندوق‌های بازنشستگی در پیش بگیرد تا مشکلات حاد نشود.

اهمیت وفای به عهد در قبال بیمه‌شدگان

«وفای به عهد در قبال بیمه‌شدگان» موضوع دیگری‌ست که اورنگ به آن اشاره می‌کند: «دولت یک عهد ضمنی با بیمه‌شدگان بسته و براساس شرایط این عهد، بیمه‌شدگان سال‌هاست که حق بیمه پرداخته‌اند و یک سری انتظارات دارند. درست است که امروز صندوق‌ها مشکل دارند و ساختار مالی آنها نیازمند تجدیدنظر اساسی‌ست اما مردم به حاکمیت به عنوان مصلح و متعهد به عهد و عقد نگاه می‌کنند. اینکه من بیمه‌شده قرار بوده امسال بازنشست شوم و برای مستمری بازنشستگی کلی برنامه دارم اما یک هفته مانده به زمان بازنشستگی، قانون تغییر می‌کند، نوعی بی‌اعتمادی ایجاد می‌کند و به مصداق عهدشکنی‌ست».

او می‌افزاید: به همین دلیل در دنیا برای اجتناب از این بی‌اعتمادی، دو کار انجام می‌شود؛ اول همسو کردن جامعه با اصلاحات یعنی با کار فرهنگی عمیق و طولانی. جامعه بپذیرد این اصلاحات به نفعش است. ما وظیفه داریم از سه سال قبل از اصلاحات، کار فرهنگی انجام دهیم تا جامعه هم‌راستا شود. دوم اینکه اصلاحات در صندوق‌های بازنشستگی برای بازه‌ای مشخص در آینده طراحی می‌شود و اصلاحات مصوب از همین فردای تصویب اجرا نمی‌شود. اگر اصلاحات از همین فردا شروع شود، سرمنشاء بی‌عدالتی‌ست. یک نفر این ماه بازنشست می‌شود یک‌جور حقوق می‌گیرد، فرد دیگری با مختصات مشابه اولی، ماه بعد بازنشست می‌شود و جور دیگری حقوق می‌گیرد. این تجسم بی‌عدالتی‌ست.

این کارشناس تامین اجتماعی در پایان تاکید می‌کند: مدیران کشور در حوزه بیمه‌های اجتماعی، نیازمند شناخت عمیق‌تر هستند. بدون تردید، پاشنه آشیل هر دولتی، همین صندوق‌های بازنشستگی‌ست و فرقی نمی‌کند کشور در حال توسعه باشد یا توسعه‌یافته، سرمایه‌داری باشد یا غیر سرمایه‌داری. حوزه صندوق‌های بازنشستگی حوزه‌ای است که روابط مردم و دولت آنجا تجلی می‌یابد. این روابط باید محکم‌تر، عادلانه‌تر، مشارکتی‌تر و همراه با وفای به عهود و عقود باشد تا اعتماد مردم به ساختار کشور لطمه نبیند.

اخبار کارگری

اعتراض کارکنان بیمارستان نبی اکرم عسلویه به حذف برخی مزایا

شماری از کارکنان بخش‌های مختلف بیمارستان تامین اجتماعی نبی‌اکرم(ع) در عسلویه، با تجمع در محدوده داخلی بیمارستان به حذف برخی مزایای شغلی خود اعتراض کردند.

به گزارش ایلنا، این کارکنان با بیان اینکه در دوره جدید با حذف برخی مزایا از جمله حق غذا در شیفت، حق بلیط و همچنین استراحت‌های شب کاری خود مواجه شده‌ایم، افزودند: با حذف این آیتم‌ها انگیزه کاری‌مان از دست رفته و بخشی از مخارج زندگی‌مان تامین نمی‌شود.

کارخانه گلباف، چشم انتظار توجه مسئولان است

امام جمعه گلباف کرمان گفت: کارخانه گلباف چندین سال در تعطیلی به سر می‌برد و حالا که مشکلات بدهی این مجموعه رفع شده، لازم است مسئولان همت و توجه ویژه‌ای برای راه‌اندازی و احیای مجدد آن داشته باشند.

مظفر پورشیخعلی در گفت‌وگو با ایسنا اظهار کرد: این کارخانه تا سال ۸۲ روند تولید خوبی داشت اما از سال ۸۲ تا ۸۳ بنا به دلایل متعددی به تعطیلی کشیده شد.

وی با اشاره به پیگیری‌های متعدد از مراجع مختلف برای فعالیت مجدد کارخانه این شهر ادامه داد: در حال حاضر بالغ بر ۲۵ میلیارد تومان تجهیزات و امکانات در این کارخانه وجود دارد. کل مساحت این مجموعه ۱۵ هزار متر مربع است که یک هزار متر آن سالن تولید است. حال که تجهیزات، فضای کار، امکانات و... فراهم است، راهکار فوری و عملی برای راه‌اندازی و احیای کارخانه این است در صورتی که کارخانه زیر نظر برخی شرکت‌های معدنی قرار بگیرد و راه‌اندازی شود، زمینه اشتغال ۲۰۰ تا ۵۰۰ نفر به صورت مستقیم و غیرمستقیم فراهم خواهد شد.

تجمع بازنشستگان مس مقابل نهاد ریاست جمهوری

تعدادی از بازنشستگان مس سرچشمه روز گذشته (نهم خرداد) مقابل نهاد ریاست جمهوری واقع در خیابان پاستور تجمع کردند.

به گزارش ایلنا، این بازنشستگان خواستار بازگشت استقلال صندوق مس هستند و می‌گویند: اینکه صندوق خصوصی مس را به زیرمجموعه وزارت رفاه منتقل کرده‌اند، اصلاً برای ما قابل قبول نیست. ما پیش از این نیز بارها مطالبه‌گری و اعتراض کردیم. صندوق مس باید مستقل بماند.

بازنشستگان مس معتقدند که صندوق از حق بیمه‌های آنها شکل گرفته و دارایی بین‌النسلی آنهاست و لذا دولت نمی‌تواند یک‌جانبه در مورد آن تصمیم بگیرد. این بازنشستگان نگران افول تعهدات صندوق هستند و می‌گویند: از رئیس جمهور می‌خواهیم استقلال صندوق مس را اعاده کند.

مرگ سه کارگر دامداری با سقوط در چاه

سه کارگر یک واحد دامداری واقع در روستای گیلانده استان اردبیل، هنگام انجام کار ناگهان به داخل یک چاه سقوط کرده و دچار حادثه شدند. به گزارش ایلنا «جواد تقوی» فرمانده انتظامی استان اردبیل گفت: گروه‌های امدادی پس از اطلاع از این حادثه به سرعت با استفاده از تجهیزات و به‌به کارگیری ابزارهای مخصوص خود کارگران را به بیرون از چاه انتقال دادند اما پس از انجام معاینات اولیه مشخص شد آنها در همان لحظات اولیه جان خود را از دست داده‌اند.

مرگ یک کارگر در استخر کشاورزی

یک کارگر حین کار در حاشیه یک استخر ذخیره آب کشاورزی واقع در محدوده روستای رحمت‌آباد شهرستان بوئین زهرا در قزوین بر اثر سقوط در آب دچار حادثه شد و جان باخت.

به گزارش ایلنا، بررسی‌های اولیه نشان می‌دهد که این کارگر در کناره یک حوضچه آب کشاورزی مشغول کار بوده که به‌دلیل لغزندگی لبه بیرونی استخر به داخل آب سقوط می‌کند و دچار خفگی می‌شود اما تلاش کارشناسان برای کشف علت اصلی وقوع حادثه ادامه دارد. این حادثه روز هفتم خرداد ماه برای یک کارگر حدود ۲۴ ساله رخ داده است.